

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش مستدام

سال سوم، شماره ۲۸، دی ماه ۱۳۹۹

مجله علمی

انجمن علمی
مطالعات
صنایع
پتروشیمی

شعبه صنایع پتروشیمی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران



مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه

سر دبیر: دکتر اکرم حیدری

امور اجرایی: محمد سالم

ویراستار: حورا خمسه

طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از تقدما و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

سخن آغازین

۴..... دعا در دادخواهی از ستمگران

سلامت در فقه

۵..... نقش اهداف در خویشتن داری (۱) محمود شکوهی تبار

سلامت در احادیث

۸..... اعتبارسنجی روایات نهی از پر خوری و توصیه به کم خوری محمود شکوهی تبار

فقه سلامت

۱۱..... ضمان حرفه مندان پزشکی احمد مشکوری

اخلاق سلامت

۱۲..... امر به معروف و نهی از منکر، بهترین چاره خطای طبابت! محسن رضایی آدریانی

۱۴..... آرامش بخشی یا تنش زایی؟! محسن رضایی آدریانی

فلسفه سلامت

۱۶..... رئالیسم و آنتی رئالیسم پزشکی (۱) صادق یوسفی

معرفی کتاب

۱۷..... کتاب کالبدشکافی در آینه فقه

زلال سلامت

۱۸..... لانه عرشی



راهنمای نویسندگان

نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی-اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می‌دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای موردنظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.
- توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی‌تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.
- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.
- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی

تهیه و ارسال شوند.

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به‌عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می‌شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان‌نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان). عنوان مقاله/ کتاب/ پایان‌نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان). عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسؤول اعلام خواهد شد.
- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.
- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه hrj@muq.ac.ir



دعا در دادخواهی از ستمگران

خدایا! به کسی غیر تو شکایت نمی‌کنم و از هیچ حاکمی غیر تو یاری نمی‌خواهم، حاشا که چنین کنم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و دعایم را به اجابت برسان و شکایتم را به تغییر وضع فعلی‌ام مقرون ساز.

خدایا! مرا به ناامیدی از عدل و انصاف در عرصهٔ امتحان قرار نده و دشمن را به ایمنی از کيفرت امتحان مفرما تا اینکه بر ستمش نسبت به من پافشاری کند و بر حقم چیره شود و به‌زودی او را به عذابی که ستمکاران را به آن تهدید کردی آشنا کن و مرا با اجابتی که به دعای بیچارگان وعده دادی، آگاه ساز.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به پذیرفتن هر سود و زبانی که برایم مقرر کرده‌ای موقت دار و مرا به آنچه از دیگری برای من و از من برای دیگری می‌ستانی، خشنود ساز و به راست‌ترین راه هدایت کن و به سالم‌ترین برنامه به کارم گمار.

خدایا! اگر خیر من نزد تو در این است که در گرفتن حقم تأخیر افتد و انتقام از کسی که به من ستم روا داشته تا روز جدا شدن حق از باطل و جایگاه گردآمدن مدعیان فرو گذاشته شود، همان را در حق من اجرا کن؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و مرا از سوی خود، به نیت راستین و پایداری همیشگی یاری ده و از میل و رغبت بد و بی‌قراری اهل حرص پناه ده و نقشی از ثوابی که برای من ذخیره کرده‌ای و کیفر و عقابی که برای دشمن مهیا ساخته‌ای، در دلم به تصویر آر و آن را وسیله‌ای برای خرسندی و رضایت من به آنچه برایم مقرر کرده‌ای و اطمینان به آنچه برایم انتخاب فرموده‌ای، قرار ده. ای پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب کن؛ همانا تو دارای بخشش بزرگ هستی و بر هر کاری توانایی.

ای آن‌که اخبار شاکیان از ستم، بر او پنهان نیست و ای آن‌که در برابر ستمی که بر ستمدیدگان رفته نیاز به شهادت شاهدان ندارد و ای آن‌که یاری و نصرتش به ستمدیدگان نزدیک است و ای آن‌که مددکاری‌اش از ستمگران دور است. ای خدای من! بی‌گمان می‌دانی از (فلانی فرزند فلانی) ستمی به من رسیده که او را از آن ستم نهی کردی و پردهٔ حرمت را در دیده که در دیدنش را بر او منع فرمودی؛ این ستمگری و پرده‌داری از باب طغیان در نعمت توست که در اختیار اوست و بر اساس غفلت و بی‌اعتنایی به خشم و غضب توست که گریبان او را خواهد گرفت.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ستم‌کننده بر من و دشمنم را با نیرویت از ستم بر من بازدار و با قدرتت تندی و تیزی ستمش را بر من بشکن و برایش در آنچه دوست دارد، مشغولیت و سرگرمی قرار ده [تا از ستمگری غافل گردد] و بر وجودش در برابر مظلومی که با او به دشمنی برمی‌خیزد، داغ عجز و ناتوانی زن.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ستمکار را رخصت ستم بر من مده و در برابر او یاری‌ات را به من، نیکو قرار ده و مرا از دست زدن به کارهایی مانند کار او حفظ کن و در حالتی مانند حال او قرار مده.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا بر دشمنم یاری ده؛ یاری دادن بی‌درنگی که خشم نسبت به او شفا و کینه‌ام در برابر او وفا باشد.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و عفو و بخشش را در برابر ستمی که دشمن به من روا می‌دارد، عوض ده و به جای رفتار بدش با من، رحمت را قرار ده؛ پس هر گرفتاری و سختی ورای خشم تو ناچیز و هر بلایی با وجود خشم تو معتدل است.

خدایا! همان‌طور که ستم کردن دیگران را بر من در نظرم ناخوشایند جلوه دادی، مرا از اینکه بر دیگران ستم ورزم حفظ فرما.

نقش اهداف در خویشتن داری (۱)

محمود شکوهی تبار

دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
mahmood0110@gmail.com

خویشتن داری نقش مهمی در سلامت اجتماعی و سلامت معنوی ایفا می‌کند. تقوا، مفهوم نزدیک به خویشتن داری در قرآن کریم است. تقوا را می‌توان نوعی خاص از خویشتن داری دانست که طی آن انسان مؤمن با نیتی الهی برای رسیدن به اهداف متعالی، از اهداف کوتاه‌مدت نفسانی چشم می‌پوشد. این پژوهش به دنبال معرفی سازوکارهای ارتقای خویشتن داری از منظر قرآن کریم است. اهداف انسان یکی از ارکان خویشتن داری به شمار می‌آید و نقش مهمی در این امر ایفا می‌کند؛ زیرا اساساً انسان با علم و توجه به اهمیت اهداف بلندمدت خود، حاضر به خویشتن داری و چشم‌پوشی از اهداف کوتاه‌مدت می‌شود. قرآن کریم در این مسیر از جهات متعدد به مخاطبان خود کمک می‌کند تا به ضرورت خویشتن داری پی برده و به انجام آن مجاب شوند. در ادامه به بخشی از این محورها اشاره می‌شود.

هدفمندی آفرینش

اعتقاد به هدفمندی خلقت از چند جهت به خویشتن داری مدنظر قرآن کریم کمک می‌کند. این اعتقاد که هستی توسط وجودی در اوج حکمت و علم و مبتنی بر برنامه و هدفی مشخص خلق شده و بر اساس همین اهداف، نظام جزا و پاداش طراحی شده است، در درک ضرورت خویشتن داری مؤثر است. افزون بر این، هدف آفرینش، اهداف جزئی انسان را نیز جهت می‌دهد و باعث می‌شود انسان اهدافی متناسب و در راستای اهداف کلی حاکم بر عالم انتخاب کند.

از نظر قرآن کریم، هستی توسط وجودی حکیم و علیم

و بر اساس حکمت و هدف آفریده شده است و هرگز عبث و باطل نیست. انسان نیز متناسب با این هدف طراحی و صورت‌گیری شده است. در نهایت نیز بازگشت به سوی همان خالق است که انسان و کل هستی را آفریده است. خداوند در سوره تغابن می‌فرماید: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيْرُ﴾. (تغابن، ۳) علامه طباطبایی در توضیح این آیه می‌گوید: مراد از «حق» در این آیه مخالف باطل است و باطل به این معناست که آسمان و زمین بدون هدف خاصی آفریده شده باشد و منظور از «فأحسن صوْرَكُمْ» عبارت است از اینکه ویژگی‌ها و صفات انسان با هم و با مجموع هدفی که به دلیل آن ایجاد شده، متناسب باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۲۹۵). در مقابل، خداوند خلقت عبث و بازی‌گونه را از آفرینش به دور دانسته است و می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِيْنُ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ...﴾ (دخان، ۳۸-۳۹)؛ این آیه بیان می‌کند که خلقت آسمان‌ها و زمین عبث و بی‌هدف نیست (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۱/۱۹۲). در خلقت هیچ‌گونه بیهودگی و بی‌هدفی راه ندارد و در عمق وجود و حرکت و هدفش سرّی نهفته است؛ زیرا خداوند کار عبث انجام نمی‌دهد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق: ۲۰/۲۹۱). این مفهوم در آیات مختلف تکرار شده است؛ همچون آیه ۲۷ سوره ص: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بِاطْلَآءٍ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾؛ ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن‌هاست بیهوده نیافریدیم. در آیه ۱۶ سوره انبیا نیز در این باره آمده است: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِيْنُ﴾؛ ما آسمان و زمین و آنچه را در میان آن‌هاست از روی بازی نیافریدیم.

از جمله اهداف کلی که برای خلقت در آیات قرآن کریم مطرح شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که البته همگی تعابیری متعدد از یک واقعیت هستند:

- مشمول رحمت پروردگار شدن: ﴿إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ وَ لِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ...﴾ (هود، ۱۱۹). علامه طباطبایی مشارالیه در اسم اشاره «وَ لِذَٰلِكَ» را رحمت دانسته‌اند که از عبارت «إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ» استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۱/۶۳). بر این اساس آیه یادشده هدف از خلقت را مشمول

رحمت پروردگار شدن، دانسته است؛ یعنی انسان خلق شده است تا غرق در رحمت الهی گردد.

• سعادت دنیا و آخرت و ورود به بهشت و رضوان الهی و نجات از جهنم و شقاوت: با توجه به آیات حیات بخش وحی، یکی از اهداف خلقت، سعادت انسان در دنیا و آخرت و ورود به بهشت و نجات از جهنم است که در سوره یونس از آن به «فوز عظیم» یاد شده است: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ... ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ آگاه باشید اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند! همان‌ها که ایمان آوردند و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می کردند. در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور) هستند؛ ... این است آن رستگاری بزرگ! (یونس، ۶۲-۶۴). در آیات مختلف به این حقیقت اشاره شده است؛ در سوره هود می فرماید: ﴿يَوْمَ يَأْتُ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ سُقِيَ وَ سَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَمِنَ النَّارِ... وَ أَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ...﴾؛ آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرارسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید؛ گروهی بدبخت اند و گروهی خوشبخت! اما آن‌ها که بدبخت شدند، در آتش اند... اما آن‌ها که خوشبخت و سعادت‌مند شدند، در بهشت خواهند ماند (هود، ۱۰۵-۱۰۸). در سوره آل عمران کسانی که از آتش جهنم نجات پیدا می کنند و وارد بهشت می شوند کامیاب و رستگار معرفی شده اند: ﴿...فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ...﴾ (آل عمران، ۱۸۵).

• رهایی از تاریکی‌ها، رسیدن به نور و حیات طیبه: با توجه به آیات قرآن، یکی از اهداف خلقت رهایی از تاریکی‌ها و نائل شدن به نور و حیات طیبه است. در سوره انعام می خوانیم: ﴿أَوْ مِنْ كَانٍ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَتَلَّهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...﴾؛ آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟! (انعام، ۱۲۲). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد: در این آیه انسان پیش از هدایت الهی به مرده‌ای تشبیه شده که از نعمت زندگی محروم است. کسی که به پروردگارش ایمان می آورد مانند کسی است که خداوند او را زنده کرده و برای او نوری قرار داده است که همراه اوست و اطرافش را روشن می کند و بدین وسیله می تواند نفع و ضرر خویش را بسنجد و آنچه را به نفع اوست، انتخاب کند؛ ولی کافر مانند کسی است که در تاریکی‌ها گرفتار شده است و نجات‌دهنده‌ای برای او نیست و خود نیز راه رهایی از آن ندارد؛ هر چند می توان در

این آیه مرگ را استعاره از گمراهی و زندگی را استعاره از ایمان یا هدایت دانست، ولی با تأمل بیشتر در آن، معنای دقیق تری به دست می آید. خدای سبحان در قرآن مجید به انسان‌های الهی زندگی جاویدی را نسبت می دهد که با مرگ سپری نمی شود و پس از مرگ نیز تحت ولایت خدا محفوظ است. زندگی‌ای که در آن رنج و فرسودگی و ذلت و شقاوتی وجود ندارد، افراد در محبت پروردگار خود غرق و از تقرب به درگاه او خوشحال اند، جز خیر چیزی نمی بینند، همواره با سعادت مواجه می شوند، غرق در امنیت و سلام هستند بی آنکه آمیخته با خوف و خطر باشد، سعادت و خوشحالی و لذتی بی پایان که همیشگی است، چیزهایی را می بینند و می شنوند که انسان‌های دیگر قادر به درک آن نیستند، عقل و اراده‌شان به جاهایی می رسد که عقل و اراده مردم دیگر را راهی بدان نیست، از شعور و اراده‌ای فوق شعور و اراده دیگران برخوردارند که در واقع حیات انسانی منشأ این اراده و شعور است. آنان افزون بر زندگی نباتی و حیوانی، زندگی دیگری دارند که کافران از آن محروم‌اند. در واقع، افرادی که مزین به علم و ایمان هستند و پروردگار خود را شناخته‌اند و از غیر او بریده‌اند، حیاتی فوق حیات دیگر انسان‌ها دارند. آنان چیزهایی را درک می کنند که در حد درک دیگران نیست؛ همان‌طور که خداوند فرموده است: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...﴾؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم (نحل، ۹۷) و درباره انسان‌های بی ایمان فرموده است: ﴿...أَلَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾؛ آن‌ها دل‌هایی دارند که با آن نمی فهمند و چشمانی که با آن نمی بینند و گوش‌هایی که با آن نمی شنوند؛ آن‌ها همچون چهارپایان اند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند (اعراف، ۱۷۹).

بر پایه این تقریر، داشتن حیات دیگر درباره مؤمنان مجاز نیست؛ بلکه حقیقت است (طباطبایی ۱۴۱۷ ق، ۳۳۷/۷-۳۳۸).

این آیات نشان می دهد که یکی از اهداف کلی دین رهایی مؤمنان از تاریکی‌ها و رساندن آنان به حیات طیبه است.

قرآن در کنار این اهداف، به اهداف میانی نیز برای خلقت اشاره کرده است؛ از جمله عبودیت پروردگار. خدای متعالی در سوره ذاریات می فرماید: ﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات، ۵۶). طبق این آیه هدف از خلقت، عبودیت خداوند است که به عنوان غرض متوسط مطرح شده است (طباطبایی ۱۴۱۷ ق،

از جمله دیگر اهداف میانی که برای خلقت مطرح شده، مشخص شدن بهترین عملکرد است. در سوره ملک آمده است: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ إِلَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...﴾؛ آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید (ملک، ۲). طبق این آیه، سنجش بهترین عملکرد انسان، از اهداف خلقت است. می توان گفت که هدف نهایی خلقت فوز و فلاح است که همان وارد شدن در رحمت بی منتهای الهی، زندگی متعالی در دنیا و نائل شدن به بهشت در آخرت است و ابزار دستیابی به آن، بهترین عملکرد یعنی عبادت خداوند است. درباره ارتباط اهداف کلی خلقت با خویشتن داری به نکات زیر می توان اشاره کرد:

- باور به این اهداف کلی مقدمه تلاش برای نیل به آن است. این تلاش مستلزم نوعی خویشتن داری است که خدای متعالی آن را تقوا نام نهاده است. طبق آموزه های قرآن کریم، انسان برای رسیدن به این اهداف باید از اهداف و خواسته های کوتاه مدت چشم پوشی کند و به تعبیری پای بر هوای نفس خویش بگذارد؛ همان طور که فرمود: ﴿أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَيَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾؛ و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوای بازدارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست (نازعات، ۴۰-۴۱)؛ زیرا همان طور که در آیات پیشین گفته شد، نیل به این اهداف، با ایمان و عمل صالح محقق می شود و عمل به بیشتر دستورات دینی مستلزم نادیده گرفتن اهداف کوتاه مدت و هدف گذاری بر روی اهداف بلندمدت است؛ دستوراتی همچون جهاد، انفاق، کنترل نگاه،

عفت جنسی و... که عمل به آن ها از مصادیق بارز گذشتن از اهداف مادی کوتاه مدت و مدنظر قرار دادن هدف های بلندمدت است که مصداق خویشتن داری است.

باور به این اهداف باعث می شود که انسان هدف های جزئی خود را در راستای رسیدن به اهداف کلی طراحی کند؛ زیرا تنها در صورتی به این هدف ها می توان دست یافت که اهداف جزئی انسان نیز همسو با این هدف های کلی باشد. ضرورت وجود اهداف کلی با توجه به موانع و عوامل انحرافی و دوراهی ها و بلکه چندراهی هایی که در مقاطع مختلف زندگی وجود دارد و انسان باید یکی را که منتهی به هدف کلی است، انتخاب کند، بیش از پیش روشن می شود؛ بر این اساس باور به هدف های کلی خلقت به هدف های جزئی و خویشتن داری انسان جهت می دهد.

منابع:

- قرآن کریم.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق)، تفسیر من وحی القرآن، چاپ دوم، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.

اعتبارسنجی روایات نه از پرخوری و توصیه به کم خوری

محمود شکوهی تبار
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
mahmood0110@gmail.com

منابع دینی آکنده از روایاتی در حوزه سلامت جسمی، شامل آداب خوردن و آشامیدن، بهداشت، سبک زندگی، پیشگیری، درمان و... است. وجود این روایات در منابع معتبر شیعه نشان می‌دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به این مسئله عنایت داشته‌اند و از این جهت باید مورد توجه قرار بگیرند. یکی از مسائلی که در روایات مطرح شده آداب خوردن غذاست. برای بهره‌مندی بیشتر و بهتر از این روایات، لازم است آن‌ها را از لحاظ سندی، دلالتی، منبع و قرائن پیرامونی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. در پژوهش حاضر، روایات تماماً از منابع معتبر شیعه شامل الکافی، من لایحضره الفقیه، وسائل الشیعه، عیون اخبار الرضا، المحاسن، تهذیب الاحکام، امالی شیخ طوسی و الخصال انتخاب شده‌اند؛ بنابراین روایات مورد استناد در این پژوهش از نظر منبعی از اعتبار کافی برخوردارند.

به منظور اعتبارسنجی دلالتی، خانواده حدیثی در موضوع مورد بحث این پژوهش تشکیل و معنای عبارات با توجه به همه روایات در این موضوع استخراج شده است. قرائن پیرامونی از جمله دیگر ابعاد اعتبارسنجی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است؛ به این صورت که در مواردی که روایات متعدد با مضمون مشابه یا یک روایت با چند سند معتبر نقل شده، به این مسئله توجه داده شده است. همچنین، به مواردی که سند روایتی آن‌ها با ضعف مواجه بوده و قرائن پیرامونی به جبران این ضعف کمک می‌کرده، اشاره شده است. در ادامه برخی از این روایات مطرح می‌گردد.

روایت نخست: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَانَ بْنِ مَسْكَانٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَثْرَةُ الْأَكْلِ مَكْرُوهَةٌ»؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: پرخوری ناپسند است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲۹۶/۶، ح ۲). همه راویان یادشده در سند این حدیث امامی و ثقه هستند؛ بنابراین روایت فوق اصطلاحاً صحیح به شمار می‌آید. شیخ طوسی نیز در التهذیب این روایت را با دو سند از کلینی نقل کرده (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۹۲/۹، ح ۳۹۴) که یکی از اسناد صحیح و سند دیگر معتبر است. همچنین روایت یادشده با سند دیگری در المحاسن (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۴۴۶/۲) نقل شده است. البته در سلسله راویان این سند، اسم بهلول بن مسلم آمده که اطلاعاتی از ایشان در کتب رجالی نقل نشده و از این جهت سند این روایت ضعیف است؛ ولی با توجه به اعتبار منبع و وجود روایتی صحیح با این مضمون، می‌توان آن را پذیرفت که اصطلاحاً استفاده از قرائن پیرامونی در جبران ضعف سند به شمار می‌آید.

روایت دوم: «عَلِيٌّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ التَّوْفَلِيِّ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: بِئْسَ الْعَوْنُ عَلَى الدِّينِ قَلْبٌ نَخِيبٌ وَ بَطْنٌ رَغِيبٌ وَ...»؛ امام صادق عليه السلام فرمودند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه یاران بدی هستند علیه دین! قلب ترسو، شکم پرخور و... (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲۶۹/۶، ح ۳). همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند غیر از سکونی که با وجود وثاقت، شیعه نیست. بر این اساس روایت به لحاظ سندی، به اصطلاح موثق به شمار می‌آید.

روایت سوم: «حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي

عَبْدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الْبُطْنَ لَيَطْعَى مِنْ أَكْلِهِ وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ وَ أَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ»؛ ابی بصیر می‌گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمودند: ای ابی بصیر، راستی تن از خوردن سرکش شود. نزدیک‌ترین حال بنده به خدا زمانی است که شکم سبک باشد و مبعوض‌ترین حال بنده به خدا زمانی است که شکمش پر باشد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶/۲۶۹، ح ۴). این روایت نیز موثق است و از لحاظ سندی از اعتبار لازم برخوردار است. مضمون یادشده با اندکی تفاوت در المحاسن هم ذکر شده است؛ البته به دلیل وجود محمد بن علی ابو سمینه در سند آن، از نظر سندی ضعیف به شمار می‌رود، ولی با توجه به وجود روایت مشابه موثق، می‌توان این روایت را نیز پذیرفت.

روایت چهارم: «وَبَهَذَا الْإِسْتَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَطْنٍ مَلَأَنَ»؛ رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: چیزی مبعوض‌تر در نزد خداوند از شکم پر نیست (صدوق، ۱۳۷۸ ق: ۶/۳۶). طبق بازسازی سند این روایت توسط نرم‌افزار درایه‌النور، این روایت با سه سند نقل شده که دو سند آن ضعیف و یک سندش موثق است.

روایت پنجم: کلینی در حدیث موثقی آورده است: «مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ سَمِعْتُ عُثْمَانَ الْأَحْوَلَ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَيْسَ مِنْ دَوَاءٍ إِلَّا وَهُوَ يَهَيِّجُ دَاءً وَ لَيْسَ شَيْءٌ فِي الْبَدَنِ أَنْفَعَ مِنْ إِمْسَاكِ الْيَدِ إِلَّا عَمَّا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ»؛ عثمان احول گوید: شنیدم از حضرت ابوالحسن عَلَيْهِ السَّلَامُ که فرمودند: هیچ دارویی نیست جز آنکه دردی را تحریک کند و هیچ چیز برای بدن سودمندتر از این نیست که انسان از آنچه بدان نیازی نباشد، امساک کند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۸/۲۷۳، ح ۴۰۹).

روایت ششم: «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ التَّوْفَلِيِّ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو دَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَطْوَلُكُمْ جُشَاءً فِي الدُّنْيَا أَطْوَلُكُمْ جُوعاً فِي الْآخِرَةِ أَوْ قَالَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: ابوذر رحمة‌الله گوید: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: سیرترین شما در دنیا گرسنه‌ترین شما در جهان آخرت است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶/۲۶۹، ح ۵). همه روایان این روایت امامی و ثقه هستند؛ غیر از سکونی که غیر امامی، ولی مورد اعتماد علمای رجال است؛ بنابراین این حدیث موثق به شمار می‌آید. این روایت در التهذیب (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۹/۹۲، ح ۳۹۵) نیز با دو سند موثق و معتبر نقل شده است. البته این نقل‌ها در نهایت به مرحوم کلینی رسیده و

روایان آن از ایشان تا امام عَلَيْهِ السَّلَامُ با روایت قبل یکسان است.

هرچند روایت یادشده از لحاظ سند قوی است، ولی از نظر دلالت صراحت در منع از پرخوری ندارد. برخی کتب لغت «جشاء» را به معنی مطلق آروغ زدن معنا کرده‌اند (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ۱/۱۲۸) و برخی مراد از آن را آروغی دانسته‌اند که به دلیل سبکی و پری بودن معده ایجاد می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱/۴۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۸۷). نکته گفتنی اینکه روایات دیگری وجود دارد که در مجموع نشان می‌دهد مراد از این روایت نهی از پرخوری و آروغ زدن بر اثر پرخوری است و معنای دوم مطرح‌شده در برخی لغت‌نامه‌ها صحیح‌تر است؛ برای نمونه در امالی شیخ طوسی آمده است: «الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ فِي الْأَمَالِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ الصَّلْتِ عَنْ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ عَبْدِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى الْجَهَنِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهَبٍ عَنْ عَقْبَةَ بْنِ غَامِرٍ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا أَكْثَرُهُمْ جُوعاً فِي الْآخِرَةِ يَا سَلْمَانُ إِنَّمَا الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۳۴۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴/۲۴۵، ح ۳۰۴۵۲).

این روایت که از نظر مضمون شبیه روایت قبلی است به جای «أَطْوَلُكُمْ جُشَاءً فِي الدُّنْيَا» در روایت قبل، عبارت «إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا» آمده است و می‌تواند معنای روایت پیشین را روشن کند. همچنین در روایت دیگری آمده است: «عَنْهُ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِي دَرٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَطْوَلُكُمْ جُشَاءً فِي الدُّنْيَا أَطْوَلُكُمْ جُوعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَتَجَشَّأُ فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ قَصْرٌ مِنْ جُشَائِكَ فَإِنَّ أَطْوَلَ النَّاسِ جُوعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا» (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۲/۴۴۷). در این روایت نیز ضمن نهی از آروغ طولانی، می‌فرماید: کسانی که در دنیا سیرتر باشند، در روز قیامت مدت طولانی‌تری گرسنه خواهند بود.

همچنین، در روایت موثق دیگری می‌خوانیم: «الإمام علي عَلَيْهِ السَّلَامُ: أتى أبو جحيفة التيمي عَلَيْهِ السَّلَامُ وهو يتجشأ، فقال: أكف جشأك، فإن أكثر الناس في الدنيا شبعاً، أكثرهم جوعاً يوم القيامة! قال: فما ملاً أبو جحيفة بطنه من طعام حتى لحق بالله» (صدوق، ۱۳۸۷ ق: ۲/۳۸، ح ۱۱۳؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۵/۲۵، ح ۳۱۰۵۳). این روایت با صراحت بیشتری نشان می‌دهد که مراد از «جشاء» در روایات، آروغ زدن به دلیل پری معده است و بیان‌گر آن است که در روایات با این مضمون از پرخوری منع شده است.

شبهه این مضمون در روایت دیگری نیز تکرار شده است: «الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا يَتَجَشَّأُ، فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ قَصِّرْ مِنْ جُشَائِكَ، فَإِنَّ أَطْوَلَ النَّاسِ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَكْثَرُهُمْ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا!» (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴ / ۲۴۷، ح ۳۰۴۵۶).

به این ترتیب، با تشکیل خانواده حدیثی در مورد روایتی که با سند موثق از کافی نقل شد، می‌توان به اطمینان نسبی رسید که مراد از جشاء در این روایت و روایات مشابه، آروغ زدن از روی پرخوری و سیری است؛ بنابراین همه روایات با این مضمون بر نهی از پرخوری دلالت دارند.

روایت هفتم: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقُطِينِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ بُورْثُ الْبَرَصِ» (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۲ / ۴۴۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶ / ۲۶۹، ح ۷). این روایت به دلیل وجود عبدالله الدهقان در سلسله راویان سند، ضعیف به شمار می‌آید؛ چراکه نجاشی و حلی او را تضعیف کرده‌اند. مضمون روایت فوق، با سندی متفاوت در التهذیب هم ذکر شده است (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۹ / ۹۳، ح ۳۹۹) که سند این روایت نیز ضعف دارد. این مضمون در وسائل الشیعه به نقل از امالی شیخ صدوق نیز با سندی متفاوت نقل شده است (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۴ / ۲۴۴، ح ۳۰۴۵۰). این روایت نیز به دلیل وجود عبدالله بن عبدالله الدهقان در سند روایت که علمای رجال وی را تضعیف کرده‌اند، ضعیف است.

هرچند همه اسناد این روایات ضعیف به شمار می‌روند، ولی از این جهت که هم در منابع معتبر ذکر شده‌اند و هم به لحاظ مضمونی با روایات صحیح و موثق نهی از پرخوری که پیش‌تر گفته شد هماهنگ هستند، می‌توانند از جهت دلالت بر نهی از پرخوری مورد پذیرش قرار بگیرند. روایات دیگری در نهی از پرخوری و بیان آسیب‌های ناشی از آن در روایات آمده است. این روایات هرچند به لحاظ سندی ضعف دارند، ولی با توجه به روایات صحیح و موثق که بر نهی از پرخوری دلالت دارند، می‌توان این روایات را نیز پذیرفت. به دلیل رعایت اختصار، تنها به آدرس این روایات بسنده می‌شود (صدوق، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۷۰، ح ۹؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲ / ۸۱، ح ۱۵۴۹، ۲۴۲ / ۲۴، ح ۳۰۴۴۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۶ / ۲۶۸-۲۶۹، ح ۱ و ۹؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲ / ۴۴۶).

در این پژوهش روایات توصیه به کم‌خوری و نهی از پرخوری اعتبارسنجی شد که ابعاد آن به شرح زیر

است:

اعتبار از نظر منبعی: روایاتی که در پژوهش انتخاب شده از منابع دست‌اول شیعه است که اعتبار آن مورد پذیرش علماست؛

اعتبار سندی: همه روایات این پژوهش از لحاظ سندی بر اساس کار ارزشمند نرم‌افزار درایه‌النور مورد بررسی قرار گرفته است؛

اعتبار از نظر دلالتی: بدین منظور در موارد لزوم، خانواده حدیثی تشکیل داده شده است؛ برای نمونه در مورد معنای «معنای اطولکم جشائاً» با توجه به روایات مشابه، معنای این عبارت استخراج شد؛

اعتبار از نظر قرائن پیرامونی: در این زمینه، به طرق مختلف نقل روایات، در روایاتی که به چند طریق نقل شده، اشاره شده است، نکته‌ای که باعث اعتبار بیشتر این روایت شده است. در مواردی که چند روایت با یک مضمون یا مضمون‌های مشابه نقل شده بود و این باعث می‌شد که اعتماد ما به مضمون یادشده و روایات افزون گردد، مورد توجه قرار گرفته است. در مواردی نیز با وجود ضعف سند در یک روایت، به دلیل اینکه مضمون این روایت با روایات دیگر همخوان و هماهنگ بود، این هماهنگی به‌عنوان یکی از قرائن پیرامونی در نظر گرفته شده و به‌نوعی جبران ضعف سند به شمار آمده است.

منابع:

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق)، المحاسن، محقق: جلال‌الدین محدث، چاپ دوم؛ قم: دارالکتب الإسلامية.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل، قم: موسسه آل‌البتیة عليه السلام لاحیاء التراث.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، محقق/ مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا عليه السلام، محقق/ مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، محقق: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، محقق/ مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحکام، محقق/ مصحح: حسن الموسوی خرسان، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، محقق/ مصحح: مؤسسة البعثة، قم: دارالتقافة.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط-الإسلامیة) چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس، محقق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.

ضمان حرفه مندان پزشکی

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
a.mashkoori@gmail.com

در فقه اسلامی از دو نوع ضمان سخن به میان می‌آید:
۱. ضمان عقدی یا قراردادی که به دلیل یک قرارداد ایجاد می‌شود؛ ۲. ضمان قهری، یعنی ضمانی که ناشی از قرارداد نیست، بلکه بدون اراده و خواست فرد بر عهده او گذاشته شده است؛ مانند از بین بردن مال دیگری، چه عمدی باشد چه سهوی.

ضمان عقدی

لزوم پابندی و تعهد به قرارداد بر کسی پوشیده نیست. قرآن کریم نیز سوره مائده را با این دستور آغاز نموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...﴾؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قراردادها [ی خود] وفا کنید (مائده، ۱). ولی متأسفانه برخی افراد به تمایز میان جنبه فقهی و جنبه حقوقی قرارداد توجه نمی‌کنند. قرارداد چه شفاهی باشد چه کتبی از نظر فقهی محترم و لازم‌الاجراست؛ اما در بحث حقوقی در صورت انکار مدعی علیه، قرارداد شفاهی نیازمند اثبات است؛ مانند شهادت شهود و ارائه دلایل مثبت دیگر. اهمیت این نکته در اینجاست که وقتی می‌خواهیم اقدام درمانی (مانند جراحی) بر بیمار انجام دهیم گاهی برای جلب رضایت بیمار عوارض اقدام درمانی را کمتر از آنچه انتظار داریم، بیان می‌کنیم و بیمار نیز با اعتماد به گفته ما به انجام اقدام درمانی رضایت می‌دهد. در این صورت، اگر اقدام درمانی ما باعث عارضه‌ای بیش از آنچه به بیمار گفته شده شود، شرعاً ضامن خواهیم بود؛ گرچه این ضمان از نظر قضائی و حقوقی قابل اثبات نباشد. ممکن است گفته شود که گاهی عوارض اقدامات درمانی قابل پیش‌بینی نیست و بیمار نیز این نکته را می‌داند. پاسخ این است که ملاک آن چیزی است که در توافق با بیمار بیان شده و به او تفهیم شده است؛ یعنی اگر پزشک در کار خود مرتکب قصور و تقصیر نشده باشد (ضمان قهری) و در توافق فی مابین بیمار را آگاه کرده باشد که ۱. عوارض این اقدام درمانی چیست و ۲. هر

اقدام درمانی ممکن است عوارض پیش‌بینی نشده‌ای داشته باشد و بیمار شرایط را بپذیرد، پزشک شرعاً ضامن نخواهد بود.

ضمان قهری

ضمان قهری برخلاف ضمان عقدی بر اساس خواست قبلی فرد یا قرارداد نیست، بلکه به دلیل اراده شارع یا قانون‌گذار ایجاد شده است. از این روی، باید بینیم چه علل و اسبابی ضمان قهری را ایجاد می‌کنند. برخی عوامل و اسباب ضمان قهری عبارت‌اند از: ۱. غصب؛ ۲. اتلاف و تسبیب؛ ۳. استیفا؛ ۴. تقویت منفعت (محقق داماد، ۱۳۸۹).

غصب: شاید بدیهه‌ترین سبب ضمان قهری غصب باشد؛ بدین معنی که اگر کسی مال دیگری را بدون اذن و اجازه تصرف کرد ضامن و مسئول است و اگر عین مال موجود است، شخص غاصب موظف است عین مال را به صاحب‌مال بازگرداند؛ اما اگر به هر دلیل مال از بین رفته باشد باید خسارت آن را به صاحب‌مال پرداخت کند. درست مانند قاعده «ید» که یکی از قواعد فقهی و مبتنی بر قول منتسب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: «علی الید ما أخذت حتی تؤدی» (طبرسی، بی‌تا). بر پایه قاعده ید، هر کس بر مال دیگری بدون اجازه او تسلط پیدا کند یا از راه نامشروع در مال دیگری تصرف کند، ضامن آن است تا آنکه آن را به صاحبش بازگرداند و مسئول جبران خسارت وارد شده بر آن مال است.

منابع:

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۹)، فقه پزشکی، تهران: حقوقی، ص ۱۰۶.

نوری طبرسی، حسین (بی‌تا)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ج ۱۴، ص ۸.

امر به معروف و نهی از منکر، بهترین چاره خطای طبابت!

محسن رضایی آدریانی
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
mrezaie@muq.ac.ir

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾؛ مردان و زنان باایمان، ولی (ویار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند، به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد خداوند توانا و حکیم است (توبه: ۶۷).

قرار بر این بود که به فراخور هر جلسه از دروس اخلاق پزشکی، یک آیه به‌عنوان پیش‌درآمد بحث کلاس ارائه شود. به لطف خداوند متعال، به آیه یادشده برای جلسه نحوه برخورد با خطای پزشکی، پرداخته خواهد شد.

کار طبابت و پزشکی بسیار خطیر و پرمخاطره است. سازمان جهانی سلامت می‌گوید که از هر ده بیمار بستری در بیمارستان یک نفر (۱۰٪ از بیماران) در معرض خطای پزشکی است؛ درحالی‌که این خطر برای یک مسافر هواپیما، یک در ده میلیون مسافر هواپیماهاست (healthcareglobal). به تعبیر دیگر، احتمال خطر برای یک بیمار در بیمارستان، یک میلیون بار بیشتر از احتمال خطر برای یک مسافر هواپیماست.

برای کاهش این خطاها لازم است که هر یک از کارکنان نظام سلامت و به‌ویژه بیمارستان‌ها، «حساسیت اخلاقی» خود را در برابر بروز خطای

پزشکی، بالا نگه‌دارند. این بالا بودن حساسیت اخلاقی موجب نظارت بر کار آن‌ها خواهد بود. به نظر می‌رسد یکی از بهترین نظام‌نامه‌های نظارت اخلاقی بر خود و دیگران «امر به معروف و نهی از منکر» است. از مجموع آیات و روایات برمی‌آید این دو حکم الهی، توانمندی بسیار بالایی در گسترش خوبی‌ها و کاستن از بدی‌ها دارند. امام باقر علیه السلام فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان و واجب بزرگی است که واجبات دیگر با آن برپا می‌شوند، راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش بازمی‌گردد، زمین آباد می‌شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد» (الکافی).

گام نخست این مهم «اکراه قلبی» به آن منکر است. هنگامی که کسی قلباً کاری را دوست نداشته باشد همه تلاش خود را به کار خواهد گرفت تا از پیش آمدن آن، چه به دست خود یا دیگری جلوگیری شود. امر به معروف و ناهی از منکر در نظام سلامت، پیش از همه مراقب خود است تا خطا نکند و به بیمار آسیبی وارد نشود.

این مراقبت از خود، موجب می‌شود رفتار آمر به معروف و ناهی از منکر به‌گونه‌ای شود که خود او به یک الگوی مناسب رفتار اخلاقی تبدیل شود. نقش الگو در پدید آمدن رفتار اخلاقی به‌وضوح در آیات قرآن کریم (احزاب، ۲۱؛ ممتحنه، ۴ و ۶)، روایات معصومان علیهم السلام (کونوا دعوات التماس بغیر ألسنتکم) و

رئیس بیمارستان و ... تا بالاترین سلسله مراتب اداری باید نسبت به خطای زیرمجموعه خود حساسیت اخلاقی بالا داشته باشند و به صورت «عملی» مانع بروز خطا در مجموعه خود شوند. امیدوارم روزی را شاهد باشیم که این حکم مترقی در تمام شئون جامعه ما مستقر باشد.

منابع:

قرآن کریم.

الکافی، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۵۵.

Beekun, R. I. (2012). Character centered leadership: Muhammad (p) as an ethical role model for CEOs. *Journal of Management Development*, 31(10), 1003-1020. doi: 10.1108/02621711211281799.

<https://www.healthcareglobal.com/hospitals/hospital-stays-are-more-dangerous-flying-who>.

Lynoe, N., L fmark, R., & Thulesius, H. O. (2008). Teaching medical ethics: What is the impact of role models? Some experiences from Swedish medical schools. *J Med Ethics*, 34(4), 315-316. doi: 10.1136/jme.2007.021147.

در مقالات (Beekun, 2012; Lynoe, L fmark, & Thulesius, 2008) دیده می شود.

گام دوم آن «تذکر زبانی» است. در نظام سلامت و در بیمارستان، یکایک ما باید آمر به معروف و ناهی از منکر باشیم. وقتی شاهد هستیم خطایی در حال انجام است باید با دلسوزی و مهربانی تمام نسبت به آن همکار و بیمار و با لحنی ملایم و مناسب، به همکارمان تذکر دهیم که خطایی در حال وقوع است. تذکر به جا و زیبا، مانع پیشرفت خطا خواهد شد.

گام سوم «اقدام عملی» است. به نظر می رسد این مرحله مربوط به کسی است که خطاکننده از نظر اداری و سلسله مراتب، زیردست اوست. وقتی استاد و مربی می بیند که فراگیر او در خطاست باید به صورت عملی وارد شود و مسیر اقدام تشخیصی درمانی را با دخالت مستقیم خود به سمت صحیح ببرد و مانع آسیب رسیدن به بیمار شود. در جایی که رئیس بخش، شاهد این است که یکی از کارکنان بخش او در حال خطا و آسیب به بیمار است، نباید برای ممانعت از آن درنگ کند. مدیر پرستاری، مدیر گروه آموزشی، معاون درمان بیمارستان، مدیر و

یکایک ما باید در نظام سلامت و در بیمارستان در

برابر «خطای طبابت» آمر به معروف و ناهی از

منکر باشیم.

تحلیل اخلاق - حقوق مورد

آرامش بخشه یا تنش زاویه؟!

محسن رضایی آدریانی
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
mrezaie@muq.ac.ir

معرفه مورد

خانم نقشینه، ۴۲ ساله و بارداری سوم. در مرحله فعال زایمان در زایشگاه پذیرش و بستری شده و برخورد اغلب کارکنان بیمارستان و زایشگاه با ایشان معمولی بوده است. مواجهه چند نفر از کارکنان با او نیز تشویقی و حمایتی بوده؛ چراکه خوب است که در این شرایط سخت باردار شده است، اما برخی از کارکنان برخورد مناسبی نداشته‌اند، به‌ویژه در زایشگاه، هنگامی که مادر باردار در حال درد کشیدن بوده یکی از کارشناسان مامایی مسئول مراقبت از بیمار خطاب به او گفته است: «چه خبرت؟ ساکت باش! تازه‌ها نبودی که ندونی زایمان درد داره! تو که می‌دوستی زایمان چیه، می‌خواستی باردار نشی و...» بالاخره زایمان انجام می‌شود اما پس‌از آن، آن ماما زائو را بر تخت زایمان و تنها رها می‌کند و به سراغ کارهای دیگر خود می‌رود. حدود نیم ساعت بعد، یکی دیگر از کارشناسان زایشگاه به سراغ زائو می‌آید و بقیه کارهای وی را انجام می‌دهد و او را به اتاق پس از زایمان منتقل می‌کند.

تحلیل مورد

«مادران باردار در هنگام وضع حمل به دلیل شرایط ویژه‌ای که دارند نیازمند احساس امنیت و حمایت از سوی اطرافیان هستند. برخورد با مادران باید محترمانه و با لطافت باشد و تا آنجا که امکان دارد باید رنج زایمان برای ایشان کاهش یابد. قسمتی از این کاهش رنج، مربوط به روحیه زائو و برخورد مناسب و محترمانه با اوست. یکی از مهم‌ترین موقعیت‌هایی که برخورد مناسب با مادر باردار و زائو اهمیت دارد، برخورد پزشکان، ماماها و پرستاران زایشگاه‌ها در لحظات نزدیک زایمان است. مادران باید احساس کنند زایمان امر مقدسی است و این تحمل درد و رنج آن‌ها برای تولد فرزند، برای همه ارزشمند است؛ درحالی‌که هم‌اکنون در میان کارکنان بیمارستان‌ها، به‌ویژه بخش زایمان آن‌ها، فراوانی و گستره برخورد مناسب و در شأن مادران هنوز در حد مطلوب نیست و حتی گاهی رفتارها به‌گونه‌ای است که بارداری و زایمان مادر یک امر بی‌ارزش و منفی تلقی می‌شود. این برخورد ناپسند موجب خواهد شد تا حضور در بیمارستان برای مادر به یک خاطره منفی تبدیل شود و یادآوری آن برای او ناخوشایند باشد» (پاسخ یکی از دانشجوی پزشکی).

معمولاً بیمار (و همراه بیمار) در تنش و نگرانی و اضطراب است. اخلاق سلامت (اخلاق پزشکی) می‌گوید رفتار ما در مراکز باید به‌گونه‌ای باشد که از این تنش و اضطراب کاسته شود (نیک‌خواه و همکاران، ۱۳۹۳). بر پایه همین اصول و دیگر اصول اخلاق پزشکی (عدالت، احترام به اختیار بیمار)، هر کاری که تنش و نگرانی بیمار را افزایش دهد، نادرست است.

اختیار، یکی از چهار اصل اخلاق سلامت است.

برخورد با مادران باید محترمانه و با لطافت باشد و تا آنجا که امکان دارد باید رنج زایمان برای ایشان کاهش یابد.

رها نمودن بیمار پس از زایمان، مصداق رعایت نمودن اصول «ضررتسانی» و «سودرسانی» و خلاف «انصاف» و «عدالت» است.

رعایت نمودن اصول «ضررتسانی» و «سودرسانی» و خلاف «انصاف» و «عدالت» است.

منابع:

نیک‌خواه فرخانی، زهرا؛ فریرز رحیم‌نیا؛ مصطفی کاظمی و علی شیرازی (۱۳۹۳)، «واکای مؤلفه‌های رفتار اخلاقی پرستاران با همراهان بیمار با بهره‌گیری از تئوری اخلاق فضیلت محور»، فصلنامه تحقیقات کیفی در علوم سلامت.

Barsness, J. G., C. R. Regnier, C. C. Hook, and P. S. Mueller. 2020. "US medical and surgical society position statements on physician-assisted suicide and euthanasia: a review." *BMC Medical Ethics* no. 21 (1). doi: 10.1186/s12910-020-00556-5.

McCarthy, J., K. O'Donnell, L. Campbell, and D. Dooley. 2018. "Ethical arguments for access to abortion services in the Republic of Ireland: Recent developments in the public discourse." *Journal of Medical Ethics* no. 44 (8):513-517. doi: 10.1136/medethics-2017-104728.

توضیح اینکه بند اول موارد تحلیل ارائه شده، پاسخ یکی از دانشجویان پزشکی به تکلیف درس اخلاق پزشکی مجازی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۸-۹۹ است که با اندکی تغییرات، در اینجا آورده شده است.

در جوامع سکولار، به ویژه کشورهای غربی، پا را از حد اختیار فراتر نهاده و با خدشه‌دار نمودن لفظ محترم «آزادی»، ترویج «ولنگاری» می‌کنند. این ولنگاری به قدری گسترده شده است که اسقاط و قتل جنین (McCarthy et al. ۲۰۱۸)، مرگ ترحمی و خودکشی (Barsness et al. ۲۰۲۰) موجه تلقی می‌گردد. در کشور ما و مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی، «اختیار» بیمار در چهارچوب عقل و نقل پذیرفته است. از این رو، جز در مواردی که جان بیمار در خطر است، نمی‌توان و نباید خلاف نظر بیمار اقدام نمود. اگر در جایی نیز به نظر ما کارکنان نظام سلامت، تصمیم بیمار نادرست است تنها حق داریم به شیوه‌ای صحیح و اخلاقی نظرممان را که صحیح می‌دانیم برای بیمار بیان کنیم.

بر اساس قاعده «کرامت انسانی» (که هم در اخلاق سکولار و هم در اخلاق دینی به آن پرداخته شده است) توهین به هر انسانی ممنوع است. این ممنوعیت در مورد توهین به بیمار، دوچندان می‌شود.

بر اساس چهار اصل اخلاقی، رها نمودن بیمار پس از زایمان، آن‌هم در وضعیتی که هر لحظه ممکن است وضع او دستخوش تغییر شود و «پایداری» علائم حیاتی او «ناپایدار» شود، مصداق

رنالیسم و آنتی رنالیسم پزشکی (۱)

صادق یوسفی
مرکز تحقیقات سلامت معنوی،
دانشگاه علوم پزشکی قم
syoosefee@muq.ac.ir
yoosefee@gmail.com

او همچنین رنالیسم پزشکی را با مواضع ضد رنالیستی رقیب شامل تجربه گرایی، مفهوم گرایی و ساخت گرایی اجتماعی در تقابل قرار می دهد. تجربه گرایی (نوعی ابزارگرایی) موقعیتی است که بر اساس آن تنها اشیائی که به وضوح قابل مشاهده هستند، واقعی بوده و دانشمندان باید ادعاهای واقعی بودن را به موارد قابل مشاهده محدود کنند؛ بنابراین بیماری هایی مانند زخم معده، از آنجاکه قابل مشاهده هستند، واقعی هستند؛ اما موجودات مسئول آن ها (باکتری ها) واقعی نیستند. مدعای مفهوم گرایی به عنوان نوعی آرمان گرایی این است که تاریخ علوم پزشکی و طبیعی نشانگر پیشرفت به سمت حقیقت یا واقعیت نیست، بلکه تاریخ یادشده از تغییر پارادایم هایی حکایت دارد که اغلب با یکدیگر قابل مقایسه نیستند. سرانجام، ساخت گرایی اجتماعی موقعیتی است که دانش پزشکی و علمی، بر پایه اجماع جامعه علمی و پزشکی است. در شماره آتی این بحث پیگیری می شود.

منابع:

Marcum, J. A. (۲۰۰۸). Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine (Vol. ۹۹). Netherlands: Springer.

مدعای مفهوم گرایی به عنوان نوعی آرمان گرایی این است که تاریخ علوم پزشکی و طبیعی نشانگر پیشرفت به سمت حقیقت یا واقعیت نیست، بلکه تاریخ یادشده از تغییر پارادایم هایی حکایت دارد که اغلب با یکدیگر قابل مقایسه نیستند.

در شماره های پیشین به مباحث رنالیسم و آنتی رنالیسم پرداخته شد. در این شماره به طور کوتاه به این دو رویکرد در علوم پزشکی اشاره می شود؛ گرچه این دو مفهوم در مقالات فلسفه پزشکی نیز مورد توجه قرار گرفته اند، با این حال موافقان رنالیسم مستقیم یا بازنمایی گرایی اندک هستند؛ برای نمونه پل تاگارد در بحث نقش باکتری هلیکوباکتر پیلوری در زخم معده، رنالیسم پزشکی را بر این اساس تعریف می کند: «منظور من از اصطلاح رنالیسم پزشکی این است که بیماری و علل آن واقعی هستند و تحقیقات علمی توانایی دستیابی به دانش آن را دارد». این مفهوم رنالیسم پزشکی، زیرمجموعه واقع گرایی علمی است؛ زیرا مؤلفه های جهان پزشکی مانند باکتری ها و ابزار و آزمایش، در عمل رویکرد علمی دارند. در ادامه، رویکرد وی به رنالیسم پزشکی مطرح می شود.

تاگارد در چهار مورد از رنالیسم پزشکی (علمی) دفاع می کند. نخستین مورد (ناهمسویی با تجارب) است که در آن دانشمندان علوم پزشکی اغلب نتایج تجربی غیرمنتظره ای را به دست می آورند که عموماً قابل تکرار هستند؛ مورد دوم «قابلیت اطمینان ابزارها» است؛ بدین معنی که حاصل استفاده از ابزارها، دستیابی به نتایج محکمی در گروه های مختلف اجتماعی است؛ مورد سوم «کارایی علی نظریه» است که در آن نظریه های کاملاً تأیید شده دارای پیامدهای عمل گرایانه در درمان بیماری هاست و مورد چهارم «ماهیت واقع گرایانه گفتمان علمی» است که در آن دانشمندان علوم پزشکی درباره موجودیت ها و علل طبی، به گونه ای واقع بینانه به گفتگو می پردازند.



کتاب کالبدشکافی در آینه فقه



کتاب «کالبدشکافی در آینه فقه» نوشته جناب آقای سیدمحسن مرتضوی استاد و پژوهشگر حوزه علمیه قم است. این کتاب در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات بوستان کتاب در ۲۲۸ صفحه به چاپ رسیده است. در این اثر، کالبدشکافی به عنوان یکی از مسائل مستحدثه و نوظهور فقهی مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است که برای رسیدن به کنه حقیقت احکام و توجه و آگاهی به عمق آموزه‌های شریعت اسلام در این حوزه، نیازمند تحقیق و پژوهشی ژرف و سترگ است. در این کتاب موضوعات مختلفی مورد تحقیق و بررسی قرار داده شده است که از آن جمله می‌توان به ادله حرمت تشریح، ضرورت‌های تجویز تشریح، حکم خرید و فروش اجساد، وصیت به تشریح، احکام کالبدشکافی کفار، دیه در موارد جواز تشریح، احکام مورد ابتلا در عملیات تشریح و... اشاره نمود. این اثر چهار بخش است که بخش نخست به کلیات این بحث، بخش دوم به حکم اولی تشریح مسلمانان و کفار، بخش سوم به حکم ثانوی تشریح و موارد ضرورت و بخش چهارم نیز به بررسی احکام وضعی در موارد تشریح پرداخته است.

از جمله مهم‌ترین اهداف نویسنده عبارت‌اند از: معرفی فرهنگ غنی و فقه پویای شیعه به همه افراد جامعه؛

بیان نقشی که فقه جعفری در پاسخ‌گویی به نیازها و پرسش‌های مطرح‌شده در عرصه پزشکی داشته و دارد؛ تعیین و گسترش اقدامات اساسی در مسیر مطابقت امور پزشکی با موازین شرع و فقه اسلامی؛ رفع موانع شرعی با پاسخ‌گویی فقها به مسائل مستحدثه و فراهم آوردن موجبات دستیابی جامعه، به‌ویژه پزشکان، به روش‌ها و فناوری پیشرفته علم پزشکی برای رفع آلام و دردهای اقشار جامعه از قبیل رشد، توسعه و پیشرفت علوم جدید پزشکی و دیگر مواردی که به نحوی به این سه موضوع مربوط است. ویژگی این نوشتار از آن جهت است که بار پژوهش را با نهادن بر شانه‌های دو علم فقه و طب پیش برده است. این اثر تنها جنبه تحقیقی و علمی داشته و کسانی که نظریه‌نمایی را در مسئله خواهان‌اند باید با مراجعه به مرجع تقلید خود، مطابق با فتوای ایشان عمل کنند.

زهرای علایی طباطبایی زواره
دانشکده سلامت و دین

لانه عرشے

به حقیقت برسیدم ولی از راه مجاز
وه چه راهی که بسی سخت و بسی دور و دراز

چو چهل سال ز سرگشتگی وادی تیه
به سر آمد دری از رحمت حق گشت فراز

نغمه مرغ شباهنگ چه خوش آهنگ است
که به شب ساز کند با دل پرسوز و گداز

وقت سالک به سحرگاه سفر خرم و خوش
سر به سجده است و دلش همدم با راز و نیاز

یار با ما اگر از لطف مدارا نکند
وای بر ما اگر از روزه بیالیم و نماز

نفس از بس که لطیف است شود نفس همان
که بدو روی نموده ز نشیب و ز فراز

نه تو را جنسی و فصلیست که حد داری و رسم
آن بسیطی نتوان گفت که داری انباز

دل پر از بیم و امید است و نیاید به قلم
ور بیاید به قلم با که نماید ابراز

روزگاریست گرای دل نبود دمسازی
تو شکیبایی نما پیشه بدین شیوه بساز

وحشت از خلق چه داری که خدایست انیس
عزت از خلق چه خواهی ز خدایست اعزاز

نشستی را که در آن نشو و نمای من و نوست
بسلامت نتوان زیست برون ای ز از

وقت آن شد حسنا طایر عنقای روانت
به سوی لانه عرشیش نماید پرواز